

# بررسی الگوی توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری استان سیستان و بلوچستان

علی اینانلو  
کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری  
E\_mail: inanlou1356@yahoo.com

## چکیده

ایران نیز در نیم قرن اخیر از این قاعده مستثنا نبوده است، به طوری که رشد سریع جمعیت شهری کشور در طول چهار دهه ی گذشته، به صورت هدایت شده و در چارچوب نظام برنامه ریزی جامع ملی که مبتنی بر هماهنگی های بخشی و منطقه ای باشد، صورت نگرفته است. با توجه به این که الگوی توزیع جمعیت رابطه ی تنگاتنگی با عملکردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد، طبیعی است که به دنبال تمرکز فعالیت ها و سرمایه در اطراف چند شهر، حرکت جمعیت نیز به سوی این نقاط خواهد بود. این الگوی توزیع جمعیت، زمینه ی پیدایش خلأ جمعیتی و کارکردی در سطوح میانی و پایین کانون های شهری را به وجود می آورد و در نظام سلسله مراتب شهری، کشور را با مشکلاتی روبه رو می سازد.

به منظور ایجاد تعادل و توازن در این الگوی توزیع، تاکنون راهبردهای متفاوتی کار گرفته شده اند؛ از جمله: نظام مند کردن مهاجرت روستا-شهری، محدود کردن رشد شهرهای بزرگ و قطب های رشد، توسعه ی شهرهای میانی و مراکز خدمات روستایی، و ایجاد شهرهای جدید. هر یک از این راهبردها به نوبه ی خود معایب و مزایایی را بر این نوع نظام شهری تحمیل کرده و می کنند. سبست های مطرح شده تاکنون عمدتاً به مسوالت تک بعدی اجزای نظام است. دنبال سامان دهی مراکز توسعه ی شهری تا زمان دهه های گذشته، توسعه ی نامناسب منابع و امکانات، هم چنان زمینه ی ایجاد کانون های شهری کم فعال و کم جمعیت فراهم آورده و مشکلات نظام شهری کشور هم چنان به قوت خود باقی است. در ادامه در جهت بسط وضعیت فوق،

در نیم قرن اخیر، به خصوص در سه دهه ی آخر آن، شهرها با سرعت زیادی گسترش یافتند و کشورها با سرعت بیشتری به شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری خود دست زدند. این گسترش در مورد کشورهای توسعه نیافته حادثتر است. در این میان، شهرهای بزرگ و پایتخت ها رشد سریع تری داشته اند. ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه، از این قاعده مستثنا نبوده است، به طوری که مشخصه ی اصلی نظام شهری کشور ما، توسعه ی شهرهای بزرگ و تراکم جمعیت در آن هاست. به نحوی که مراکز استان ها نسبت به سایر شهرها حالت بزرگ سری یا ماکروسفال دارند. پدیده ی «نخست شهری» در سطح مناطق و استان های کشور به وجود آمده است.

مقاله ی حاضر در نظر دارد ضمن بررسی و تحلیل توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری استان سیستان و بلوچستان و نیز دلایل پیدایش «شهر مسلط» در استان پردازد.

کلیدواژه ها: سلسله مراتب شهری، نخست شهر، توزیع فضایی جمعیت، سیستان و بلوچستان، نظام شهری

## مقدمه

«در کشورهای توسعه نیافته، افزایش پی در پی یا شدید نابرابری ها در بین مناطق و شهرها، ناگزیر جست وجوی شرایط بهتر زندگی و مهاجرت را در پی داشته است» [Bergman et al, 1994:192]. در این میان، رشد سریع شهرنشینی در همه ی شهرها به طور متعادل صورت نگرفته و عمدتاً شامل شهرهای بزرگ و پایتخت ها بوده است. کشور

به مطالعه‌ی موردی نظام شهری استان سیستان و بلوچستان، به عنوان بخشی از نقاط محوری شرق کشور خواهیم پرداخت.

## الگوی سلسله مراتب شهری

در مباحث علمی و تئوری برنامه‌ریزی شهری، بهترین شکل سازمان‌دهی فضا و ایجاد سلسله مراتب، ایجاد شهری است که در آن توزیع کالا، خدمات، انتقال فناوری‌های جدید و روش‌های گوناگون زندگی، در کل جامعه صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، «سلسله مراتب شهری در واقع نوعی رده‌بندی و پشت سرهم آوردن منظم مراکز شهری است که بر حسب اهمیت و براساس عوامل کمی و کیفی صورت گرفته است. این مراکز بر مبنای تعداد جمعیت و مرتبه منظم می‌شوند. پیر ژرژ معتقد است: سلسله مراتب شهری متکی بر تعداد ساکنان شهر، به تنهایی نمی‌تواند سیمای کاملاً روشنی از شهر را نشان دهد. لذا این سلسله مراتب را باید به اتکای ماهیت عملکرد و نقش شهرها مشخص کرد» [فرید، ۱۳۷۱: ۱۴۳].

در نظام سلسله مراتب شهرهای یک کشور، غالباً بزرگ‌ترین شهر و پایتخت آن، به لحاظ برخورداری از ویژگی‌های خاص، در بالاترین رتبه قرار می‌گیرد که آن را «نخست شهر» می‌نامند [بهنروز، ۱۳۷۱: ۳]. در سال ۱۹۳۹، برای اولین بار عنوان نخست شهر (شهر مسلط) به وسیله‌ی مارک جفرسن وارد مباحث جغرافیایی شد. نخست شهر، شهری است که از نظر میزان جمعیت یا کارکرد بر دیگر شهرهای کشور تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، نخست شهر به شهری گفته می‌شود که حداقل دو برابر دو مین شهر یک کشور جمعیت داشته باشد [شکویی، ۱۳۷۳: ۴۸۵ و ۴۸۶]. در واقع، نخست شهر نشانه‌ای از عدم توازن شهری است. برای مثال، می‌توان به نظام سلسله مراتبی اکثر شهرهای آمریکای جنوبی و آفریقایی اشاره کرد [Dickenson et al, 1996:226].

در ایران نیز همانند اکثر کشورهای در حال توسعه، به دلیل سیاست‌های خاص دولت، در اکثر مناطق و استان‌های کشور می‌توان عدم توازن شهری و توزیع فضایی ناموزون جمعیت را مشاهده کرد. به نحوی که مراکز استان‌ها نسبت به شهرهای دیگر حالت «بزرگ‌سری» یا ماکروسفال دارند و در سطح این مناطق پدیده‌ی نخست‌شهری به وجود آمده است. البته لازم به ذکر است که نخست‌شهری زمانی فاجعه‌آمیز خواهد بود که در یک کشور با ساختارهای ساده‌ی اقتصادی - اجتماعی، امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن در یک نقطه‌ی شهری متمرکز شود که در این صورت، چنین نقطه‌ای به شکل غیر قابل تحملی بر شبکه شهری سنگینی می‌کند و موانع زیادی را در توسعه‌ی ناحیه‌ای کشور به وجود می‌آورد. از همین زاویه است که بی. اف. هوزلیتز<sup>۲</sup> این قبیل شهرها را شهر انگلی می‌نامد. به عقیده‌ی او شهر انگلی برخلاف شهر مولد، مانع رشد اقتصادی نواحی پیرامون خود می‌شود [Potter et al, 1988:34].

الگوی نامتوازن توزیع جمعیت، در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری تأثیرات آشکاری دارد. این الگو، باعث می‌شود که خلأ جمعیتی و کارکردی در سطوح میانی و پایین کانون‌های شهری به وجود آید. از نظر اجتماعی نیز این الگو، تراکم جمعیت و فعالیت را در نقاطی محدود به دنبال دارد و انبوهی جمعیت به بروز پدیده‌ی زندگی ماشینی می‌انجامد که از ویژگی‌های آن می‌توان به ناهنجاری‌ها و فشارهای اجتماعی، افزایش جرم و جنایت و بیماری‌های روانی در نقاط شهری متراکم اشاره کرد [ارجمندنیسا، ۱۳۶۷: ۵۲]. یکی دیگر از اثرات این الگو، ایجاد نقاط شهری ممتاز و غالب از منظر اقتصادی در سطح مناطق گوناگون است. این نقاط نقش رهبری حیات اقتصادی - اجتماعی منطقه را بر عهده می‌گیرند و نفوذ بی‌قید و شرطی بر سایر فضاهای شهری استان خواهند داشت.

یکی از علل توسعه و رشد بیش از حد بعضی از نقاط شهری، سیاست‌های خاص دولت‌ها در توسعه‌ی برخی از نقاط خاص به منظور ایجاد مکان‌های شهری غالب در سطح کشور است که به عنوان نمونه‌ی چنین مکان‌هایی می‌توان به شهر زاهدان در منطقه‌ی جنوب شرقی ایران اشاره کرد. بنابراین، عوامل جغرافیایی و سیاست‌هایی که با اهداف خاص و یا نادرست باعث پیدایش الگوی توزیع نامتوازن در سطح سرزمین می‌شوند، به نوبه‌ی خود افزایش هزینه‌ها و بودجه‌های عمرانی در نقاط غالب و در مقابل، کاهش بودجه‌های عمرانی به دلیل سهم کمتر از جمعیت و فعالیت در سایر فضاهای شهری به دنبال دارند و زمینه‌ی بروز رکود نسبی در سطح شهرهای کوچک و میانی را به وجود می‌آورند.

## توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری استان سیستان و بلوچستان

بررسی‌ها نشان می‌دهند که توزیع جمعیت در نقاط شهری استان از الگوی خاصی تبعیت نمی‌کند. شهر زاهدان در طول سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۰، در کنار مرکز استان بودن، نخست شهر منطقه نیز بوده و تمایل به تمرکز را نشان داده است. در طول این دوره، سکونتگاه‌های بسیاری در استان به رده‌ی شهری وارد شده‌اند که حاصل آن، افزایش شمار شهرها از ۶ شهر به ۳۱ شهر در سال ۱۳۸۰ بوده است.

در دوره‌ی ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، تغییری در تعداد شهرهای استان به وجود نیامد و افزایش مورد بحث، در نظام شهری استان عمدتاً از سال ۱۳۴۵ به بعد حاصل شده است. در دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ یک شهر (کنارک) بر نقاط شهری استان افزوده شد که از نظر رده‌ی جمعیتی، در طبقه‌ی شهرهای بسیار کوچک قرار داشت. در دهه‌ی بعد، به موازات روند شهرنشینی در کل کشور، بر تعداد شهرهای این منطقه نیز افزوده شد. از ۱۱ شهر موجود در سطح استان در این دوره، طبقات جمعیتی کمتر از ۵ هزار نفر و ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر با ۴ شهر، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده بودند. در سال ۱۳۶۵، برای اولین بار در شبکه‌ی شهری استان، شهری با بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت

(زاهدان) نمایان شد که به تنهایی بیش از نیمی (۵۷/۸ درصد) از جمعیت شهری استان را به خود اختصاص داده بود. هم چنین، کمترین درصد جمعیتی در این دوره متعلق به گروه جمعیتی کمتر از ۵ هزار نفر (۲/۶ درصد) بود که علی رغم افزایش تعداد شهرها، با روند نزولی جمعیت همراه بود.

در سال ۱۳۷۵، تعداد نقاط شهری استان به عدد ۱۶ رسید که با توجه به جدول ۱، بیشترین درصد این نقاط با ۴۴ درصد، متعلق به گروه جمعیتی ۵ تا ۱۰ هزار نفری بود. در مرتبه دوم، شهرهای ۲۰ تا ۵۰ هزار نفری بودند که ۱۸/۵ درصد از کل شهرهای استان را تشکیل می دادند. هم چنین، برای اولین بار در سطح بندی جمعیتی منطقه، یک شهر با در بر گرفتن ۱۳ درصد از کل جمعیت شهری، در گروه جمعیتی شهرهای میانی بزرگ قرار گرفت. در این دوره تعداد شهرهای کوچک کاهش یافت و درصد جمعیتی این گروه از شهرها، با ۶/۸ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۶۵، به ۱۴/۴ درصد رسید.

اما در سال ۱۳۸۰، گروه جمعیتی شهرهای بسیار کوچک نسبت به سایر طبقات شهری شاهد تغییرات عددی گسترده ای بود، به طوری که تمامی ۱۵ شهر وارد شده به نظام شهری استان در این طبقه جمعیتی قرار گرفتند. این شهرها با وجود افزایش تعدادشان، از نسبت جمعیتی کمتری برخوردارند و همانند شهرهای کوچک، با جامعه ی روستایی دارای رابطه هستند و اهمیت کمتری نسبت به سایر نقاط در سازمان دهی فضایی نظام شهری استان دارند.

در سال های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵، تفاوت چشم گیری بین شهر اول (زاهدان) با دومین شهر استان مشاهده نمی شود. اما در سال ۱۳۵۵، زاهدان (مرکزیت استان) ۳ برابر بیش تر از دومین شهر (زابل) و در سال ۱۳۷۵، ۴ برابر این شهر و ۱۸۴ برابر کم جمعیت ترین شهر منطقه (نگور) جمعیت داشته است. با توجه به این توزیع، رابطه ی شهر اول با سایر نقاط شهری استان رابطه ای مسلط و خردکننده است. شهر زاهدان به عنوان متروپل منطقه، هم چنان موقعیت برتر خود را حفظ کرده است. این شهر بدون استثنا همواره بیش از نیمی از جمعیت شهری استان را به خود اختصاص داده و بدین ترتیب، نظم فضایی خاصی را در سطح منطقه به وجود آورده است، در مقابل، سایر نقاط شهری استان علی رغم موقعیت های خود در سطح استان، به دلیل توان جذب و تمرکز مرکزیت استان، نتوانسته اند رتبه های مناسبی در نظام سلسله مراتب شهری بیابند.

با توجه به چنین تمرکزی در مرکز استان، مطمئناً دیگر شهرهای میانی و کوچک قادر به ایفای نقش خود به طور کامل نیستند و کلیه ی کانون های شهری در هر طبقه، با متروپل منطقه (زاهدان) در ارتباط مستقیم قرار خواهند داشت. بررسی اطلاعات مربوط به نظام شهری استان نشان می دهد که نظام سلسله مراتبی منطقه با تک شهر زاهدان در رأس تعریف شده است و شهرهای میانی این شبکه ی شهری، اصولاً مراکز شهری با کارکرد ناحیه ای و شهرهای کوچک نیز مراکزی با عملکرد حوزہ ای (محلی) هستند.

جدول ۱. سطح بندی جمعیتی کانون های شهری استان سیستان و بلوچستان طی سال های ۸۰-۱۳۳۵

ردیف	طبقات جمعیتی	۱۳۳۵			۱۳۴۵			۱۳۵۵		
		تعداد شهرها	درصد شهرها	درصد جمعیت شهری	تعداد شهرها	درصد شهرها	درصد جمعیت شهری	تعداد شهرها	درصد شهرها	درصد جمعیت شهری
۱	کمتر از ۵ هزار نفر	۳	۵۰	۲۰/۲	۲	۳۳/۳	۹/۷	-	-	-
۲	۵ تا ۱۰ هزار نفر	۱	۱۶/۷	۱۶	۲	۳۳/۳	۱۴/۱	۱۷/۴	۵۷	۱۷/۴
۳	۱۰ تا ۲۰ هزار نفر	۲	۳۳/۳	۶۳/۸	۱	۱۶/۷	۲۴/۵	۷	۱۴/۳	۷
۴	۲۰ تا ۵۰ هزار نفر	-	-	-	۱	۱۶/۷	۵۱/۷	۱۸/۱	۱۴/۳	۱۸/۱
۵	۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر	-	-	-	-	-	-	۵۷/۵	۱۴/۳	۵۷/۵
۶	۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۷	بیش از ۲۰۰ هزار نفر	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	جمع	۶	۱۰۰	۱۰۰	۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
ردیف	طبقات جمعیتی	۱۳۶۵			۱۳۷۵			۱۳۸۰		
		تعداد شهرها	درصد شهرها	درصد جمعیت شهری	تعداد شهرها	درصد شهرها	درصد جمعیت شهری	تعداد شهرها	درصد شهرها	درصد جمعیت شهری
۱	کمتر از ۵ هزار نفر	۴	۳۶/۴	۲/۶	۱	۶/۲	۰/۲	۳/۲	۴۵/۱	۳/۲
۲	۵ تا ۱۰ هزار نفر	-	-	-	۷	۴۴	۶/۹	۳/۸	۱۶/۱	۳/۸
۳	۱۰ تا ۲۰ هزار نفر	۱	۹	۲/۹	۲	۱۲/۵	۳/۲	۵/۶	۱۶/۱	۵/۶
۴	۲۰ تا ۵۰ هزار نفر	۴	۳۶/۴	۲۱/۲	۳	۱۸/۵	۱۴/۲	۱/۴	۳/۲	۱/۴
۵	۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر	۱	۹	۱۵/۲	۲	۱۲/۵	۹/۶	۱۲/۱	۹/۱	۱۲/۱
۶	۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر	-	-	-	۱	۶/۲	۱۲/۷	۱۲/۵	۶/۲	۱۲/۵
۷	بیش از ۲۰۰ هزار نفر	۱	۹	۵/۸	-	-	۶/۲	۵/۵	۳/۲	۵/۵
	جمع	۱۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ساخته: آمار نامه های مرکز آمار ایران

استان نشان می دهد.

بنابراین، پیدایش شهر مسلط در سطح استان، به دلیل برقراری بیشترین ارتباط با برنامه های توسعه ای و استفاده از مزایای مثبت آن، خود به تنهایی اصل نظام سلسله مراتب شهری را بی معنی می سازد و کاربرد این مفهوم را در سطح منطقه با مشکل مواجه می سازد. به همین علت، با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه، سیاست های مداخله گرانه در این نظام شهری بیش از پیش احساس می شود و به نظر می رسد که به منظور ایجاد تعادل و توازن در این الگوی توزیع، می باید سیاست نظم فضایی به نفع شهرهای میانی و کوچک اعمال شود.

جدول ۲. شاخص نخست شهری در استان سیستان و بلوچستان (مأخذ: نگارنده)

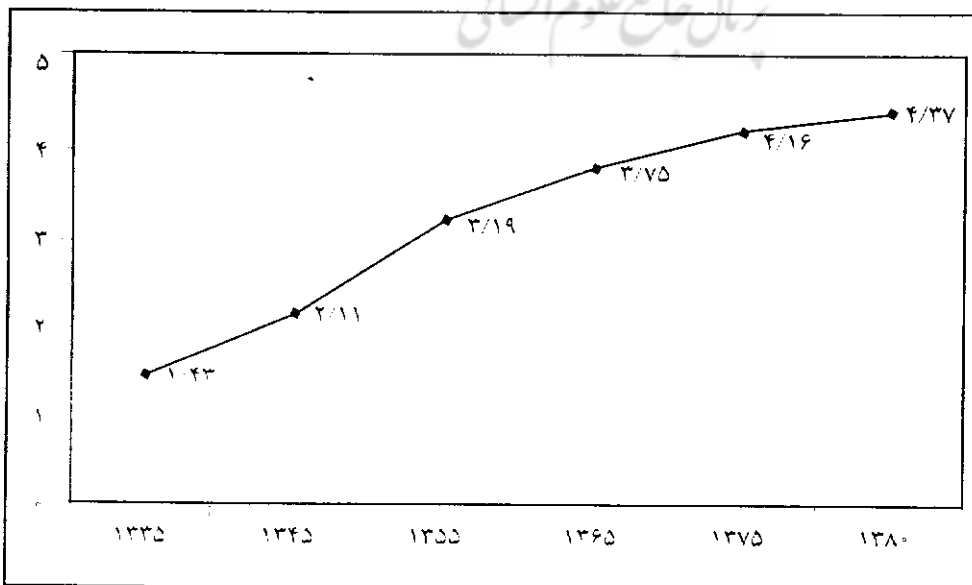
سال	تعداد شهر	نسبت جمعیت شهر اول به جمعیت شهری (درصد)	شاخص نخست شهری (شهر اول به دوم)
۱۳۳۵	۶	۳۸	۱/۴۳
۱۳۴۵	۶	۵۲	۲/۱۱
۱۳۵۵	۷	۵۸	۳/۱۹
۱۳۶۵	۱۱	۵۸	۳/۷۵
۱۳۷۵	۱۶	۵۳	۴/۱۶
۱۳۸۰	۳۱	۵۲	۴/۳۷

در نهایت می توان دو خصیصه ی عمده را در تحولات جمعیت و تعداد شهرهای ناحیه تشخیص داد:

۱. رشد سریع جمعیت شهر زاهدان و تبدیل آن به قطب رشد منطقه. چنین فرایندی پدیده ی بزرگ سری را به دنبال داشته است.
۲. افزایش جمعیت شهرها در کل منطقه و تمایل آن ها به صعود به رده های بالا. در سال ۱۳۵۵، تعداد شهرهای منطقه به ۷ شهر و در سال ۱۳۸۰ به ۳۱ شهر رسیده است. این افزایش عمدتاً در گروه پایین جمعیتی (کمتر از ۲۰ هزار نفر) صورت پذیرفته است.

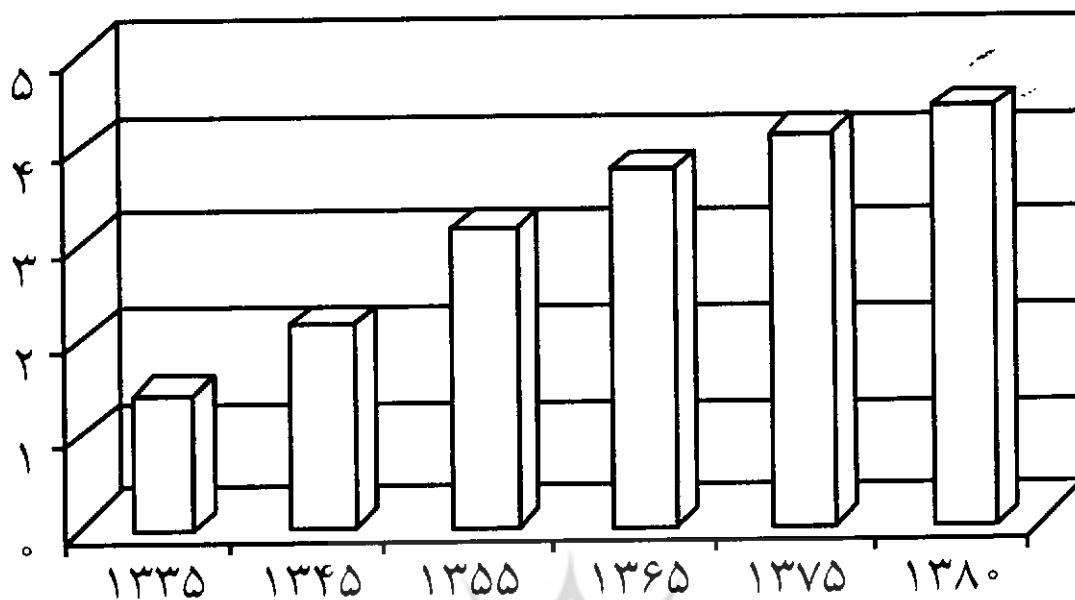
تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری در زمینه ی توزیع جمعیت از طریق گروه های شهری نیز، نشانگر کاهش جمعیت گروه های کوچک تر از ۱۸ درصد، در سال ۱۳۵۵ به ۲ درصد در سال ۱۳۸۰ است. این وضع حاکی از تنزل جایگاه این شهرها در مجموعه سلسله مراتب شهری است. در مقابل، سهم شهرهای ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفری در کل جمعیت شهری استان به طور مشخص افزایش یافته است. مجموع اطلاعات فوق بیانگر آن است که به رغم تدوین الگوی تمرکز توسعه ی فضایی در منطقه، جمعیت شهری گروه شهرهای بزرگ و متوسط، به ضرر شهرهای کوچک شکل گرفته و نقش شهرهای کوچک کاهش پیدا کرده است.

به طور کلی، توزیع شهرهای استان از لحاظ طبقات جمعیتی، توزیع نامتعادلی است؛ به طوری که در سال ۱۳۸۰، حدود ۶۰ درصد شهرهای استان زیر ۱۰ هزار نفر جمعیت داشتند و این در حالی است که این شهرها فقط ۷ درصد جمعیت شهرنشین را در خود جای داده بودند. شهر زاهدان به تنهایی با دربر گرفتن ۵۲ درصد جمعیت، تمایل خود را به تمرکز بیشتر نشان می دهد. بررسی ها نشان می دهند که الگوی نخست شهری در سطح استان حکم فرماست. میزان این شاخص در جدول ۲ ارائه شده است. از مقایسه ی ضرایب ارائه شده در این جدول به فاصله ی زیاد شهر زاهدان با شهرهای دیگر پی می بریم. چنین گرایشی در دهه های بعد از انقلاب، به دلیل جمعیت پذیری مرکز استان بیشتر به چشم می آید. مقایسه ی ضریب نخست شهری بین شهر اول و دوم نیز بیانگر فاصله گرفتن مرکز استان از مجموعه ی شهری حوزه های پیرامونی خود است. بررسی چنین فرایندی نشان می دهد که شهر بزرگ منطقه، هر چند در کاهش ضریب نخست شهری در سطح ملی مؤثر است، ولی در قلمرو منطقه ی خود، به عنوان تنها شهر مسلط عمل می کند و این امر عدم تعادل در درون منطقه را شدت بخشیده است؛ به طوری که از سال ۱۳۴۵ به بعد، نسبت جمعیت شهر اول به جمعیت شهری کل منطقه، بالای ۵۰ درصد است. وجود چنین نابرابری، نقش و جایگاه شهر نخست منطقه را در اسکان و فعالیت جمعیت شهری



نمودار ۲. تغییرات میزان شاخص نخست شهری در استان سیستان و بلوچستان

نمودار ۳. روند تغییرات نقاط شهری استان سیستان و بلوچستان (۸۰-۱۳۳۵) (مأخذ: نگارنده)



### نتیجه گیری

سکونت، جمعیت و عملکرد، مشکل نظام شهری استان را برطرف کرد.

زیرنویس

1. Primate city
2. B. F. Hoselitz

منابع

۱. ارجمندنیا، اصغر. مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه. جلد اول. ۱۳۶۷.
۲. بهروز، فاطمه. تحلیل نظری، تجربی برای متعادل سازی توزیع فضایی در سیستم شهرهای ایران. مجله پژوهش های جغرافیایی. شماره ۲۸. ۱۳۷۱.
۳. مرکز آمار ایران. آمارنامه استان سیستان و بلوچستان، ۷۵-۱۳۳۵.
۴. فرید، یدالله. جغرافیا و شهرشناسی. دانشگاه تبریز. ۱۳۷۱.
۵. شکویی، حسین. دیدگاه های نو در جغرافیای شهری. انتشارات سمت. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۳.
6. Bergman, F. F and W. H. Renwick (1999). "Introduction to Geography", upper saddle river, new jersey.
7. Dickenson, J. and others. (1996). "A geography of the thirdworld". second edition, London and Newyork, first published.
8. Potter, Robert. B and S. Floyd (1988). "the city in the developing world". Longman.

بررسی ها نشان می دهند که نظام ارتباطی بین سکونتگاه های استان سیستان و بلوچستان، در حال حاضر از الگوی مدونی برخوردار نیست و هریک از سطوح جمعیتی با توجه به شرایط و برخورداری های خاص خود، از ارزش و ارتباط عملکردی خاصی برخوردار است. این موضوع خود از دو عامل متأثر می شود: عامل اول، تسلط بلامنازع شهر زاهدان به عنوان متروپل منطقه است با کلیه امکانات سیاسی، اجرایی و خدماتی و در کل عناصر کارکردی برتر. وجود این عنصر و توسعه و گسترش شبکه ی ارتباطی، ضرورت مراجعه به مراکز سطح پایین را تحت الشعاع خود قرار داده است. عامل دوم، توزیع نامناسب فعالیت و جمعیت در هریک از گروه های شهری به تبع توزیع نامناسب امکانات و منابع ارتباطی است. در حالی که یک نظام سلسله مراتبی در صورتی پویا و کارآمد خواهد بود که بین اجزای آن پیوستگی و کنش متقابل وجود داشته باشد. در این نظام شهری، شهرهای بزرگ چون زاهدان، ایرانشهر و زابل بیشترین ارتباط را با برنامه های توسعه برقرار ساخته اند و نقاط شهری کوچک از طرح های توسعه تأثیر چندانی نپذیرفته اند. لذا در هر شرایط جغرافیایی و در ارتباط با منابع موجود و ساختار نظام شهری، پرهیز از توسعه ی متروپل را باید به عنوان یک مسئله اساسی و بنیانی مورد توجه قرار داد. یعنی باید به سراغ توزیع متعادل کانون های شهری و نظام متوازن سلسله مراتب شهری رفت و با ایجاد شبکه ی متوازی از کانون های شهری در سطوح گوناگون